



تأثیر اختلافات داخلی در میان احزاب کرد بر ناکامی استقلال کردستان عراق

جاسب نیکفر^۱

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول)

ساسان زمانی دادانه^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه یاسوج

محسن شفیعی سیف آبادی^۳

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اردکان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۶

چکیده

کردها در اصل یکی از اقوام اصیل ایرانی بودند، که در دوران حکومت صفویان به علت وقوع جنگی میان شاه اسماعیل صفوی و سلیم یکم پادشاه امپراتوری عثمانی در سال (۱۵۱۴) میلادی به نام جنگ «چالدران» قسمت‌هایی از خاک ایران که کردنشین بودند، ضمیمه خاک امپراتوری عثمانی گردید. این بخش‌ها امروزه شامل: کردستان ترکیه امروزی، کردستان عراق امروزی، کردستان سوریه امروزی می‌باشد، کردهای هر چهار کشور همیشه دغدغه ملی‌گرایی و استقلال‌طلبی را داشته‌اند، هر چند که همیشه کردها نسبت به سرزمین مادری شان ایران احساسی میهن پرستانه داشته‌اند. در این مقاله که در رابطه با استقلال کردستان عراق نگارش یافته است می‌خواهیم به علت ناکامی استقلال کردستان عراق از نگاه اختلافات احزاب کردستان عراق بپردازیم. تحقیق پیش‌رو به واکاوی این موضوع یا سوال می‌پردازد؛ که علی‌رغم برگزاری همه پرسی استقلال در اقلیم کردستان عراق و کسب اکثریت رأی مثبت برای آن، مهمترین دلیل ناکامی استقلال‌طلبی کردها چیست؟ فرضیه مقاله می‌گوید با توجه به ساختار نامتعادل قدرت در اقلیم کردستان عراق، اختلافات داخلی احزاب و عدم هماهنگی بین آنها، مهمترین دلیل ناکامی استقلال‌طلبی کردهای کردستان عراق است. روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی و تحلیلی است که در آن به چگونگی و چرایی اختلافات میان احزاب کرد که ناکامی استقلال کردستان عراق را به دنبال داشت پرداخته شده، همچنین در مقاله مورد نظر از نظریه تصمیم‌گیری گراهام آلیسون و هربرت سایمون استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: اقلیم کردستان، استقلال، احزاب کرد، اختلافات داخلی.

1. Jn1351@yahoo.com

2. sasandadane71@gmail.com

3. shafiee@ardakan.as.ir



در دوران حکومت صفویان رسمی کردن مذهب شیعه توسط شاه اسماعیل صفوی باعث شد، کردها که سنی مذهب بوده نسبت به دولت صفویان بی‌اعتماد، و به امپراتوری عثمانی مطمئن و متکی شوند. در سال (۱۵۱۴) میلادی میان سلیم یکم پادشاه امپراتوری عثمانی و شاه اسماعیل صفوی جنگ «چالدران» شکل گرفت، که در جریان این جنگ، شاه اسماعیل شکست خورد و بخش‌هایی از ایران، جدا و به تصرف امپراتوری عثمانی درآمد. این بخش‌ها شامل: کردستان ترکیه امروزی، کردستان عراق امروزی، کردستان سوریه امروزی می‌باشد، که تا سال (۱۵۱۴) میلادی یکی از ایالات ایران بوده ولی در جریان این جنگ به تصرف امپراتوری عثمانی درآمد. از آن زمان تا به امروز اختلافات مرزی، استقلال‌خواهی، ملی‌گرایی و تشکیل کشور یکپارچه و مستقل کردستان، کردها را با نظام‌های حاکم چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه دچار تعارضاتی پیچیده و مداوم کرده است. با شروع جنگ جهانی اول در سال (۱۹۱۴) میلادی و شکست امپراتوری عثمانی و پایان یافتن جنگ در (۱۹۱۸) میلادی، دولت انگلیس و فرانسه نظارت خود را بر مناطق تحت کنترل امپراتوری شکست خورده عثمانی تحمیل کردند. این دولت‌ها در پیمان «سور» با ایجاد یک دولت کرد موافقت کرده ولی در کنفرانس «لوزان» از آن چشم‌پوشی کردند. به همین دلیل شیخ محمود برزنجی در منطقه کردستان عراق اولین جرقه استقلال‌خواهی کردهای عراق را بر علیه انگلیس آغاز کرد که تا سال (۱۹۳۱) میلادی ادامه داشت. پس از جنگ جهانی اول تا شروع جنگ جهانی دوم بیش از هشت قیام در مناطق کردستان ایران، کردستان عراق، کردستان ترکیه، و کردستان سوریه رخ داد، که قیام شیخ محمود برزنجی^۲ (۱۹۳۱-۱۹۱۹م) و قیام شیخ احمد بارزانی^۳ (۱۹۳۴-۱۹۳۱م) در منطقه عراق مهمترین این قیام‌ها برای استقلال‌خواهی کردها بود.

مبارزات کردها در برابر دولت عراق طی ادوار مختلف برای استقلال و ایجاد یک کشور یکپارچه ادامه داشت، تا اینکه در سال (۱۹۷۰) میلادی در طی پیمانی میان حکومت وقت عراق و رهبران کرد، کردستان عراق با نام اقلیم خود مختار کردستان شکل گرفت. کردهای عراق از این زمان به بعد با توجه به درآمدهای سرشار، حاصل از فروش نفت توانستند از لحاظ

1. Lausonium
2. Mahmoud Brzanji
3. Ahmad Barzani

سیاسی، اقتصادی، نظامی و رفاه اجتماعی به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای دست یابند، و از لحاظ دیپلماسی و سیاست خارجی و مراودات بین المللی موفق ظاهر شوند. همه چیز آماده بود تا این اقلیم خود مختار تبدیل به کشوری واحد و یکپارچه بشود، که با شکل‌گیری دولت اسلامی عراق و شام موسوم به «داعش» و حمله آن به کشور عراق و تمرکز نیروهای ارتش این کشور برای مقابله با آنها و همچنین از هم گسیختگی سیاسی عراق این فرصت مناسب، نصیب کرده‌های کردستان عراق شد، تا بر مناطق نفت خیز مورد مناقشه تسلط یابند و اعلام استقلال خود را در تاریخ ۳ مهر ۱۳۹۶ هجری شمسی (۲۷ سپتامبر ۲۰۱۷ میلادی) به رفراندوم بگذارند، با شکل‌گیری این اقدام سرنوشت ساز که درصد آراء قابل توجه مردم را به دنبال داشت، کرده‌های این اقلیم آرام آرام در حال رسیدن به بزرگترین آرزوی زندگی شان بودند اما، بنا به دلایلی که در ادامه این مقاله به آن می‌پردازیم با شکست و ناکامی مواجه شدند.

سؤال اصلی این مقاله این است که؛ اختلافات داخلی در میان احزاب کرد چه تأثیری بر جریان ناکامی استقلال‌طلبی کردستان عراق داشته است؟ چرا آرزوی استقلال کردستان عراق دوباره به آینده پرابهام در خاورمیانه موکول شد؟ در این پژوهش به بررسی احزاب کردستان عراق، و تأثیر اختلافات داخلی بر ناکامی استقلال‌طلبی پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش:

محمدرضا حاتمی و میکائیل سانیار در مقاله «همه پرسى اقلیم کردستان، منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل» به بررسی همه‌پرسی اقلیم کردستان، و منابع و محدودیت‌های تشکیل دولت مستقل کردی پرداخته‌اند. و به عوامل تقویت کننده استقلال کردستان عراق از جمله: وزن بالای ژئوپولیتیکی، تحولات چند سال اخیر منطقه خاورمیانه و حمایت برخی بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و همچنین به موانع اقلیم در راستای تشکیل دولت مستقل از جمله: انزوای ژئوپولیتیکی، مخالفت قدرت‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و عدم حمایت بین‌المللی و مسئله کرکوک اشاره کرده‌اند. همچنین به اختلافات احزاب کردی به خصوص حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی^۱ و اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی^۲ که یکی از مهمترین عوامل، از میان عوامل ناکامی در جریان استقلال‌طلبی کردستان عراق بوده نیز پرداخته‌اند (حاتمی و سانیار، ۱۳۹۶، ۱۰۰-۸۹).

1. Massoud Barzani

2. Jalal Talabani

همچنین جاسب نیکفر و مهدی ماهیدشتی در مقاله «اکاوی استراتژی نفتی اقلیم کردستان عراق، اهداف و رویکردها» به بررسی مسئله نفت و تأثیر آن در شکاف میان اقلیم کردستان و حکومت مرکزی پرداخته‌اند. و در ادامه به بررسی این مسئله پرداخته‌اند، که اقلیم کردستان چه استراتژی برای حوزه‌های نفتی تحت کنترل خود اتخاذ کرده و ساختارهای سیاسی و اجتماعی اقلیم کردستان همواره حول محور خودمختاری و استقلال رشد یافته، که نفت به عنوان یک کاتالیزور قوی سیاسی و اقتصادی در راستای استقلال و ایجاد یک کشور مستقل می‌تواند به صورت مثبت تأثیرگذار باشد (نیکفر و ماهیدشتی، ۱۳۹۴: ۱۹۲-۱۷۶).

حسن بوژمهرانی و مهدی پوراسلامی در مقاله «خود مختاری کردستان عراق و چالش‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران» در رابطه با استقلال کردستان عراق به بررسی تفکرات استقلال طلبانه کردها، از قرن ۱۹ به بعد اشاره کرده‌اند که تا اکنون ادامه داشته است. همچنین نقطه عطف تحولات کردهای عراق را، در حمله رژیم صدام به کویت در سال (۱۹۹۰) میلادی دانسته‌اند، از نظر آن‌ها حمله نیروهای ائتلاف بین‌المللی به نظامیان عراق، فضا را برای ابراز استقلال کردهای شمال عراق فراهم کرد، و با سقوط صدام در سال (۲۰۰۳) میلادی جایگاه سیاسی کردهای عراق در سطح ملی گسترش یافت و در ادامه نیز پست‌های ریاست جمهوری، وزارت خارجه را نیز در دست گرفتند. همچنین به حمله دولت اسلامی عراق و شام موسوم به ((داعش)) به عراق که فرصت مناسب را برای مسعود بارزانی برای همه‌پرسی استقلال کردستان فراهم کرد پرداخته‌اند. و اینکه مسعود بارزانی گفته که هیچ برنامه‌ای نمی‌تواند اجرای این روند را متوقف کند (بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۴: ۶۹-۶۱).

همچنین عبدالله روزه و جواد کیانی در مقاله «تحولات کردستان عراق و تأثیرات آن بر خاور میانه» به موضوع فروپاشی امپراتوری عثمانی و انعقاد پیمان «سور» برای ایجاد یک دولت کرد در محدوده‌ای از عراق و ترکیه اشاره کرده‌اند، که با تأسیس دولت ترکیه به رهبری کمال آتاتورک^۱ با آن مخالفت شد، و این منجر به قیام شیخ محمود برزنجی بر علیه انگلیس در سال (۱۹۱۹) میلادی گردید، هر چند او را به سمت فرماندار سلیمانیه منصوب کردند، ولی با اعلام شاه خواندن خود برای دولت کردی، توسط دولت انگلیس کنار گذاشته شد. همچنین به مبارزات ملا مصطفی بارزانی^۲ در عراق و سرکوب او توسط دولت مرکزی اشاره‌ای داشته‌اند،



فصلنامه علمی-پژوهشی
جمعیت ترانس آلم اسلام

1. Kamal Ataturk
2. Mulla Mostafa Barzani



که حمله عراق به کویت و متجاوز خواندن آن توسط شورای امنیت باعث حمله به دولت عراق توسط نیروهای ائتلاف و ایجاد منطقه پرواز ممنوع در محدوده شمال عراق شد، و فضا را برای ابراز استقلال کردستان فراهم کرد. و همچنین به این موضوع پرداخته‌اند که در سال (۲۰۰۳) میلادی با سقوط صدام، راه برای ارتقای جایگاه سیاسی کردها فراهم شد (روزبه و کیانی، ۱۳۹۵: ۷۵-۷۴).

آریا عزیزی هم در مقاله «بایدها و نبایدهای مشروعیت جدایی اقلیم کردستان در حقوق بین‌الملل» به بررسی اقلیت‌ها در ساختار دولت‌ها پرداخته و به اقلیم کردستان عراق که ادعای استقلال و جدایی طلبی آن بی سابقه است، اشاره‌ای داشته و به همه‌پرسی آن‌ها در تایخ ۳ مهر ۱۳۹۶ هجری شمسی (۲۷ سپتامبر ۲۰۱۷ میلادی) که از سوی دولت عراق و بسیاری از دولت‌ها نامعتبر، ولی از سوی مسعود بارزانی رهبر اقلیم کردستان، مشروع و مورد تأیید اغلب مردم کردستان می‌باشد اشاره کرده است. در ادامه به بررسی مشروعیت یک جانبه استقلال کردستان و اینکه استقلال‌خواهی تنها در صورت ثابت کردن نقض حقوق بشر، توسط حاکم عراق و قانع کردن جامعه بین‌المللی مشروعیت می‌یابد اشاره‌هایی داشته است (عزیزی، ۱۳۹۶: ۹۶-۸۴).

صادق زیباکلام و نوذر خلیل طهماسبی در مقاله «مسائل اقلیم کردستان عراق، منابع و موانع استقلال» به بررسی منابع و موانع استقلال کردستان عراق پرداخته‌اند. آن‌ها به شکل‌گیری اقلیم در سال (۱۹۷۰) میلادی در پی توافق میان دولت وقت عراق و مسئولان کردستان عراق اشاره کرده‌اند، که در سال (۱۹۹۱) میلادی در زمان حمله ائتلاف بین‌المللی به عراق از موقعیت متزلزل صدام استفاده کردند، و حکومت خود را تأسیس نمودند، و با حمله امریکا به عراق و سرنگونی صدام کردها در سال (۲۰۰۵) میلادی به وحدتی فراگیر رسیدند، که در ادامه آن مسعود بارزانی به ریاست اقلیم کردستان انتخاب گردید. همچنین در ادامه مقاله به اختلافات در جریان استقلال می‌پردازند، و به موانع و منابع داخلی و خارجی در جهت استقلال اشاره می‌کنند. به منابع داخلی دست‌یابی به استقلال از جمله: قدرت نظامی و امنیتی، جمعیت بانگیزه، قدرت اقتصادی، قدرت رسانه‌ای اشاره‌هایی داشته‌اند، و همچنین به منابع خارجی آن‌ها از جمله: رژیم صهیونیستی به عنوان اصلی‌ترین حامی خارجی، عربستان سعودی نیز به عنوان دیگر حامی آن‌ها، و به موانع اقلیم برای استقلال نیز اشاره می‌کنند از جمله: موقعیت محدود جغرافیایی، وجود دولت عراق، قانون اساسی کشور عراق، مخالفت شیعیان و سنی‌ها

با استقلال کردستان، شرایط اقتصادی نفتی، اختلافات گروه‌های سیاسی در اقلیم و همچنین در ادامه به موانع خارجی از جمله: مخالفت امریکا با استقلال و تجزیه عراق، مخالفت کشورهای منطقه و همسایه با استقلال کردها می‌پردازند، ولی دلیل ناکامی استقلال کردستان عراق را اختلافات احزاب کرد، بخصوص حزب دمکرات و حزب اتحادیه میهنی بیان می‌کنند (زیباکلام و طهماسبی، ۱۳۹۵: ۷۳).

چارچوب نظری:

نظریه تصمیم‌گیری (گراهام آلیسون و هربرت سایمون)

وقتی از تصمیم‌گیری در اتخاذ سیاست‌های داخلی و خارجی صحبت می‌کنیم، عاملی که در درجه نخست مورد توجه قرار می‌گیرد، «نقش» است که عموماً در بین سطوح مطرح شده جهت تحلیل سیاست‌های داخلی و خارجی در سطح «خرد» قرار می‌گیرد. همچنین باید از «فرایند تصمیم‌گیری» هم سخن گفت که توجه به این دو عامل، به‌ویژه در آثار اندیشمندان معاصر همچون گراهام آلیسون^۱ و هربرت سایمون^۲ بیش از سایر آثار خود نمایی می‌کنند. پرسش اساسی نظریه پردازان و تحلیلگران سنتی سیاسی در مباحث مربوط به تصمیم‌گیری، که ابتدا در دانش و مباحث مربوط به مدیریت مطرح بود، این است که؛ افراد تصمیم‌گیرنده بر چه اساسی از میان راه‌حل‌های مختلف، یک راه‌حل را بر می‌گزینند؟ این سوال را امروزه می‌توان بدین صورت بسط داد که تصمیم‌گیران بر چه اساس و در چه فرایند و تحت تأثیر چه ساختاری دست به انتخاب یک راه‌حل از میان راه‌حل‌های موجود می‌زنند؟ دیدگاه تصمیم‌گیری برای تحلیل سیاست خارجی اولین بار توسط پرفسور آر. سی. اسنایدر^۳ و همکارانش در سال (۱۹۵۴) میلادی مطرح شد. فرض اساسی این دیدگاه این است که اولاً کنش بین‌المللی عبارت است از؛ مجموعه‌ای از تصمیمات اتخاذ شده از سوی واحدهای قابل شناسایی، ثانیاً دولت‌ها به عنوان بازیگران صحنه عمل می‌کنند، و در نهایت، در درون کشورها تصمیم‌گیرانی وجود دارند که اقدامات آمرانه آنان، با هر قصد و هدفی، اقدامات دولت مربوطه محسوب میشوند (کریمی فر، لب خنده، ۱۳۹۵: ۵۷).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۸۲

سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

1. Graham Allison
2. Herbertus Simon
3. R. C. Snyder



تا قبل از شروع دهه (۱۹۵۰) میلادی، نظریه یا مدل «عقلایی» یا بازیگر خردمند^۱ در رأس مباحث مربوط به تصمیم‌گیری قرار داشت. توجه به عقلایی کردن تصمیمات ریشه در یونان باستان دارد؛ ولی به کارگیری آن در نظریه پردازی روابط بین الملل به دهه‌ی پنجاه از قرن بیستم میلادی باز می‌گردد. مبنای عقلانیت مورد تاکید نظریه پردازان در دو قالب مطلق و نسبی مطرح می‌شود. ساین، بروک و اسنایدر از بنیانگذاران تفکر عقلانیت مطلق در تصمیم‌گیری سیاسی هستند. برعکس هربرت سایمون، و با الهام از او آلیسون^۲ مکتب عقلانیت محصور (نسبی) را در نظریه‌های تصمیم‌گیری خود مطرح کرده‌اند. (سیف‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۶۵-۲۶۶). تصمیم‌گیری عقلایی^۳ بدین معنی است که؛ بازیگر سیاسی با انتخاب روبروست (Stone, 1997: 233). در این مدل بر بهترین انتخاب یا تصمیم بهینه تأکید می‌شود. فرد در تصمیم‌گیری‌های خود همواره تصمیماتی اتخاذ خواهد کرد که بهترین تصمیم ممکن باشد و تصمیماتی را اتخاذ می‌کند که امکان و احتمال نیل به اهداف و مقاصد او را به حداکثر می‌رساند (March, 1994: 4). در ادامه به نظریات هربرت سایمون و گراهام آلیسون که بنیانگذاران مکتب عقلانیت محصور (نسبی/محدود) هستند، می‌پردازیم.

(۱) نظریه هربرت سایمون: هربرت سایمون محقق است که در رابطه با مفهوم و مکانیسم تصمیم‌گیری مطالعات زیادی به عمل آورده است. از نظر او مدیریت و تصمیم‌گیری دو واژه هم معنی و مترادف هستند. علاوه بر سایمون، گروه دیگری از صاحب‌نظران نیز مدیریت و تصمیم‌گیری را یکی و هم معنی تعریف کرده و مدیریت را چیزی جز تصمیم‌گیری ندانسته‌اند و معتقدند که کانون اصلی مدیریت را تصمیم‌گیری تشکیل می‌دهد و انجام وظائفی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، و یا کنترل در واقع کاری جز تصمیم‌گیری درباره نحوه و چگونگی انجام این فعالیت‌ها نیست. چنانچه دراگر^۴ معتقد است: تأکید مدیریت آینده بر فراگرد تصمیم‌گیری و درک این فراگرد است (Drucker, 1987: 142). از نظر این دسته از محققین، اصل مدیریت تصمیم‌گیری است، زیرا از طریق و توسط تصمیم‌گیری است که مدیر تمامی وظائف خود را به انجام می‌رساند.

1. Artist sapientes
2. Allison
3. Rational decisionem factionem
4. Drucker

مهمترین استدلال مدل هربرت سایمون این است که بیان می‌کند عقلانیت انسان محدود است و این محدودیت ناشی از محدودیت‌های ذهنی و شعوری انسان است و هرگونه بحثی درباره مکانیزم تصمیم‌گیری باید با علم بر این واقعیت باشد. بنابراین، محیط‌های سازمانی و اجتماعی که تصمیم گیرنده در آن قرار گرفته است، در شیوه و نحوه تصمیم‌گیری او مؤثرند (Simon, 1987: 58). به علاوه، به جای کوشش و جستجوی بهترین گزینه‌ها، تصمیم گیرندگان به طور معمولی راضی به انتخاب گزینشی هستند که حداقل استانداردهای قابل قبول را داشته باشد. بدین سبب آنها اغلب با گزینش‌های «غیرقابل حل» مواجه می‌شوند که رضایت در خصوص طیفی از اولویت‌های متغیر را مانع می‌گردد، به جای گزینه‌های «بهترین» اغلب فقط «قابل قبول‌ها» در دسترس می‌باشند. سیاست خارجی توسط دولت‌ها تعیین می‌شود؛ اما انسان‌ها به نیابت از دولت‌ها اقدام می‌کنند. لذا روندهای تصمیم‌گیری را نمی‌توان از دینامیک روانی مجزا ساخت. نیاز به دوست داشته شدن، آرزوی محبوب شدن، وسوسه قاطع به نظر رسیدن، حتی قهرمان بودن، ممکن است در قضاوت عقلانی دخالت نماید و نهایتاً رفاه کشور را قربانی کند. تصمیم گیرندگان نیز تمایل به اعتقاد بیش از حد درباره قضاوت‌ها و مهارت‌های تحلیلی‌شان و نسبت به توانایی‌ها و خردشان دارند تا «تصور کنترل» شان بر امور را حفظ نمایند. مانند اقدامات هیتلر و صدام حسین (کلگی و ویتکف، ۱۳۸۲: ۶۷۹-۶۷۸).

سایمون معتقد است مسائل و مشکلاتی که یک تصمیم‌گیر در سطح سازمان، دولت و یا در سطح بین‌المللی با آن مواجه است عموماً به قدری پیچیده و غامض است که مدیر به عنوان یک انسان و با محدودیت‌های انسانی خود، توان رویارویی و غلبه بر آن را ندارد. در نهایت به ساده سازی مسائل می‌پردازد. ساده سازی به معنای آن است که معمولاً مدیر به جای سعی در یافتن بهترین راه حل، سعی می‌کند که به راه حل مناسب دست پیدا نماید. قناعت به یافتن و بسنده نمودن به راه حل مناسب و کافی (به جای ادامه جستجو برای یافتن بهترین راه حل) تصمیم‌گیری را عملی‌تر و آسان‌تر می‌سازد (Simon, 1976: 241).

(۲) نظریه گراهام آلیسون: آلیسون در کتاب شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی در کنار شیوه تصمیم‌گیری خردگرایانه مطلق، دو مدل روند سازمانی و سیاست دیوانسالاری را



ارائه می‌دهد. استدلال مدل عقلایی تصمیم‌گیری در نظریه گراهام آلیسون آن است که عمل یک ملت یا یک حکومت در برابر یک وضعیت بر پایه محاسبات عقلایی و داده‌های عینی ارزیابی می‌شود. چنانچه در بحران کوبا، تحلیلگران بر پایه الگوی سیاست عقلایی، سیاست و عمل اتحاد جماهیر شوروی سابق را عملی عقلایی می‌دانستند که در راستای اهداف استراتژیک آن کشور، تصمیمی درست بوده است (Vertzberg, 1990: 270). اما آلیسون هشدار می‌دهد که اگر چه چنین توصیفی ما را در درک و فهم بیشتر چگونگی تصمیم‌گیری کمک می‌نماید، ولی باید توجه داشت که در اینجا از زاویه بسیار کوچک و محدودی به واقعیات نگریسته شده و در نتیجه در بعضی از موارد نیز صحیح عمل نمی‌نماید (سعادت، ۱۳۶۸: ۱۱۴).

آلیسون علاوه بر مدل عقلایی از دو مدل یا الگوی دیگر نام می‌برد که عبارتند از الگوی فرآیند سازمانی^۱ و الگوی بوروکراتیک^۲. سطح دوم تصمیم‌گیری را آلیسون از زاویه تصمیم‌گیری در سازمان و بر حسب ضوابط و معیارهای سایمون برای تصمیم‌گیری مطرح می‌نماید. مدل سازمانی تصمیم‌گیری یک مدل توصیفی است. این مدل نشان می‌دهد که چگونه واقعاً تصمیم اتفاق می‌افتد. در این مدل فرض بر آن است که تصمیم‌گیرندگان کاملاً عقلایی عمل نمی‌کنند، بلکه در محدوده‌ای از زمینه‌ها، ادراک از بدیل‌ها و توانایی تصمیم، عقلایی رفتار می‌نمایند. اگر اهداف در مدل عقلایی کاملاً روشن است، در اینجا، اهداف با توجه به مسیر تصمیم ممکن است تغییر نمایند. این مدل به نام عقلایی محدود هم شناخته می‌شود (Davis & Olson, 1984: 170). اگر چه آلیسون نشان می‌دهد که چگونه مدل سایمون می‌تواند درک و فهم ما را از مکانیسم تصمیم‌گیری افزایش دهد، ولی در عین حال نواقص و نارسایی آن را نیز خاطر نشان می‌سازد و هشدار می‌دهد که مدل سایمون می‌تواند به پیش‌بینی‌های غلط و نادرست نیز برسد. (سعادت، ۱۳۶۸: ۱۱۴).

در الگوی سازمانی، آلیسن به این نکته می‌پردازد که هر تصمیمی که اتخاذ شود، به ناچار از مجاری سازمان‌ها و نهادهای خاصی صورت می‌گیرد. شناخت سازمانی که تصمیمی بر عهده آن واگذار شده است می‌تواند ما را از کم و کیف آن تصمیم آگاه کند. در الگوی بوروکراتیک، آلیسون این بحث را مطرح می‌نماید که سازمان‌ها و ادارات به وسیله افرادی اداره می‌شوند که هر یک برای خود نقش و صلاحیتی قائل بوده و ممکن است در رقابت با

1. norma processus

2. Bureaucratic pattern

یکدیگر قرار داشته باشند. در نتیجه تصمیم نه محصول فرآیند کار و وظیفه یک سازمان بلکه محصول چانه زنی افرادی تلقی می‌شوند که از موقعیت شغلی خود استفاده و به ایفای نقش می‌پردازند. در نتیجه ویژگی‌های شخصی، شغلی، انگیزه‌ها و عقاید دیوانسالاران در فرآیند تصمیم‌گیری نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید (آلیسون، ۱۹۶۹: ۶۹۲). مجموعه‌ای از مدل‌های نوع دوم تحت عنوان سایبرنتیک عقلایی محدود پیش‌تر به وسیله هربرت سایمون مطرح شده بود (Mintz & Geva, 1997: 81).

در سطح سوم، سیاست خارجی دولت‌ها نه به عنوان برون‌داد سازمان‌ها تلقی می‌گردند و نه در یک بازیگر واحد خلاصه می‌شوند، بلکه بازیگران بیشتری که در تصمیمات سیاست خارجی مؤثرند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. بازیگران در این الگو، در یک دوره زمانی محدود بازی نمی‌کنند، بلکه بیشتر طبق فرضیات ملی گوناگون و چارچوب سازمان‌ها و هدف‌های شخصی عمل می‌کنند. بازیگرانی که تصمیمات حکومتی را نه به تنهایی بلکه به دنبال انتخاب چاره‌ای خردمندانه ولی از راه انتقاد و کوشش در مسیری که درست‌تر به نظرشان می‌آید، اتخاذ می‌کنند (آلیسون، ۱۳۶۴: ۲۴۰-۲۳۹) در اینجا، تصمیم‌گیری دیگر محدود به تصمیم‌گیری در چهارچوب ضوابط و معیارهای رسمی سازمان نیست. قواعد مدون و مقرر، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های فرموله شده حد و حدود تصمیم‌گیری را معین نمی‌نماید و تلاش و جستجو برای یافتن راه‌حل‌های مناسب تنها در امتداد و در مسیر شناخته شده قبلی صورت نمی‌گیرد. در این سطح به اعضای سازمان به دیده کسانی نگریسته می‌شود که درگیر سیاست شده و سیاستمدارند. «سیاست»^۱ به معنای معامله و داد و ستد، ولی معامله و داد و ستدی که با قواعد معین و خاصی بین افراد در سیستمی با آرایش سلسله‌مراتبی و در چارچوب کلی آن انجام می‌گیرد. علاوه بر این، میزان و ماهیت مسئولیتی که افراد به دوش می‌گیرند، در تعبیر و تفسیر آنچه که می‌بینند و می‌شنوند و در نوع تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند، تأثیر فراوان دارد (سعادت، ۱۳۶۸: ۱۱۴). به تعبیری دیگر، در این مدل، تصمیم‌نهایی دولت محصول یک انتخاب منطقی نیست که متشکل از یک مجموعه منسجم از اهداف ملی باشد، بلکه سیاست مکانیسم انتخاب است. هر بازیکن می‌تواند با اختیاراتی که در حزب یا سازمان به او اعطا شده، خروجی تصمیمات را بر مبنای فهمی که خود از منافع ملی، سازمان، گروه و منافع شخصی دارد، پیش ببرد (Allison, 1971: 171).

در این مدل، پیامد بازی‌های سیاسی، برآیند مذاکرات افراد تصمیم‌گیرنده‌ای است که هرکدام خواهان دستیابی به اهداف خاصی هستند. به عبارت دیگر هر تصمیم‌صحنه‌ای از نمایش بازی اقداماتی است که برآیند آن از مجاری موقعیتهای بازیگران و کشمکش اولویتهای آنان به صورت سیاست خارجی متجلی می‌شود. هدف از این کشمکش‌ها، پیشبرد منافع ملی است، ولی از این رهگذر هدف ثانویه‌ای چون افزایش قدرت و ارتقای موقعیت شخصی تصمیم‌گیرندگان نیز، وارد جریان اجرای سیاست خارجی می‌شود. در این مدل تصمیمات سیاسی حاصل پویش‌ها و تعامل بین گروه‌های سیاسی رقیب است. بنابراین سیاست خارجی صرفاً راه‌حلی برای رفع مشکل ملی نیست بلکه نتیجه مجموعه‌ای از مصالحه‌ها و برخوردهای مقاماتی است که منافع گوناگون خود را در پرتو قدرت‌های گوناگونی که دارند تأمین می‌کنند. مهم‌ترین ادعای این مدل آن است که تصمیم‌گیری سیاست خارجی برآیند بازیهای کاسب‌کارانه گوناگون میان بازیگران درون حکومتی است. بنابراین بازیکنان دیوانسالاری با هیچ طرح جامع استراتژیکی هدایت نمی‌شوند، بلکه دریافتهای متعارض آنان از اهداف ملی، دیوانی و شخصی موجب اقدامات گوناگون می‌شود. البته میزان تاثیر بازیگران بر این برآیند مرکب یکسان نیست، بلکه به قدرت و مهارت نسبی چانه زنی آنان بستگی دارد (سیف‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۷۱-۲۷۰).

با استفاده از همین مدل سوم می‌توان برخی از موضع‌گیری‌هایی را که منجر به تشدید اختلاف بین احزاب اصلی شد، بررسی نمود. به عنوان مثال هر چند حزب دموکرات کردستان قوی‌ترین و بزرگ‌ترین حزب است و در قانون اساسی اقلیم هم بر نظام پارلمانی و دموکراتیک تأکید شده اما می‌بینیم ریاست اقلیم همچنان به عنوان یک مقام کلیدی، در اختیار بارزانی قرار دارد و علاوه بر اینکه از سال (۲۰۱۷) میلادی مدت ریاست او به اتمام رسیده اما همچنان به عنوان رئیس اقلیم، قدرت را در دست دارد. این موضوع را می‌توان به درک متفاوت از منافع ملی هم تعمیم داد. در حالیکه حزب اتحادیه میهنی و سایر احزاب قدرتمند بر مناسب نبودن زمان همه‌پرسی تأکید داشتند حزب دموکرات کردستان انتخابات را برگزار کرد و آن را در راستای منافع ملی قلمداد کرد. از طرف دیگر سران حزب اتحادیه میهنی با عدم حمایت خود از این انتخابات، هر چند که به ادعای حزب دموکرات خیانت کردند، اما آنها این موضوع را به نفع اقلیم برشمردند و راه متفاوتی را در پیش گرفتند. هر چند در این باره، هدف ضربه زدن به حزب دموکرات و به نوعی تضعیف بارزانی و قبضه کردن مقام ریاست اقلیم بر

رنگ‌تر جلوه می‌کند. حتی در عقب نشینی نیروهای پیشمرگه وابسته به حزب اتحادیه میهنی از کرکوک در زمان حمله داعش، می‌توان ردپای تعقیب منافع شخصی و جناحی و نه لزوماً ملی (در سطح اقلیم) را دید. همانطور که در ادامه خواهیم دید، تسلط و کنترل این منطقه نفت خیز و استراتژیک توسط دولت عراق ضربه محکمی به اقتصاد و همچنین نفوذ و اقتدار حزب دموکرات کردستان وارد کرد.

تصمیم‌گیری درباره مسائل بزرگ و سرنوشت سازی مانند همه‌پرسی برای استقلال آن هم در منطقه‌ای که از لحاظ انرژی و موقعیت جغرافیایی برای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی جایگاهی استراتژیک دارد، بسیار سخت و پیچیده است و حتی می‌توان مدعی شد که با مخالفت‌ها و هزینه‌های زیادی روبه‌رو خواهد بود. اگر منطقه اقلیم کردستان را جزئی از خاک دولت عراق بدانیم آن وقت تصمیم‌گیری برای استقلال آن در سطحی فروملی قرار می‌گیرد. همانطور که می‌دانیم تصمیم‌گیری متأثر از چند عامل عمده است، از جمله: الف: عامل عقلایی، که منظور از آن، عوامل قابل اندازه‌گیری از قبیل هزینه، زمان، پیش‌بینی‌ها و غیره می‌باشد. ب: عامل اجتماعی که در واقع مرتبط با موافقت دیگران به خصوص کسانی است که تصمیم به نوعی بر آنان تاثیر می‌گذارد، در کشورهایی که افکار عمومی وزن و نقش زیادی در مسائل سیاسی دارند، توجه به این عامل از مقاومت و مخالفت دیگران در برابر یک تصمیم خاص می‌کاهد. ج: عوامل فرهنگی، هر محیطی دارای لایه‌های فرهنگی متعددی است که به نام فرهنگ منطقه، فرهنگ کشور و فرهنگ جهانی خوانده می‌شود. این فرهنگ‌ها بر تصمیمات فردی یا گروهی در قالب هنجارهای مورد قبول جامعه، رویه‌ها و ارزشها تاثیر می‌گذارند. د: عامل روانشناختی از قبیل شخصیت تصمیم‌گیر، توانائی‌های او، تجربیات، درک، ارزش‌ها، آمال و نقش او از جمله عوامل مهم در تصمیم‌گیری می‌باشند. سه عامل اخیر به نوعی در واقع عوامل محدود کننده تصمیم‌گیری هم به شمار می‌روند. نقش سه عامل اخیر را می‌توان در تسریع و پافشاری در برگزاری همه‌پرسی برای استقلال در تصمیم حزب دموکرات و به طور خاص شخص مسعود بارزانی دید. در واقع بارزانی و حزب او با دریافت و اطمینان از اینکه اکثریت مردم مناطق اقلیم خواهان خودمختاری و استقلال کامل هستند، در موضع خود مصمم بودند و البته وزنی بیش از آنکه در این منطقه به افکار عمومی داده می‌شود برای آن قائل بودند. از طرف دیگر، با تکیه بر فرهنگ و استفاده از تاریخ مشترک کردی که



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعه ترانست العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

در طول سالیان متمادی به‌ویژه آن بخشی را که مورد ظلم و ستم واقع می‌شدند و حتی کشتار بی‌رحمانه آنها در عملیات انفال، سعی کردند به تهییج افکار عمومی کرد داخل برای رای دادن به استقلال و کردهای خارج در جهت حمایت از این استقلال پردازند. اما موضوعی که شاید بدان کمتر توجه شد، آن بود که منطقه اقلیم در خاورمیانه و منطقه‌ای استراتژیک قرار گرفته که هرچند ممکن است متحدانی در این منطقه وجود داشته باشند که حاضراند برای منافع خود حامی چنین استقلالی باشند، اما به همان میزان مخالفان سرسخت و قدرتمندی نیز وجود دارند که با هر نوع تغییر نظامی در منطقه دست کم تا زمانی که منافع حداکثری‌شان را تأمین نکند به مخالف بر می‌خیزند. در نهایت با بررسی ویژگی‌های روانشناختی رهبران احزاب موافق و مخالف استقلال می‌توان تا حد زیادی به اختلافات عمده احزاب پی‌برد که همین اختلاف و نبود اتحاد و یکپارچگی، از مهمترین عوامل ناکامی استقلال اقلیم کردستان عراق است.

در بحث عوامل روانشناختی، اگر ما یک حزب را به عنوان یک سازمان در نظر بگیریم باز هم خواهیم دید که هسته مرکزی سیاستگذاری بوروکراتیک، انسان و شخصیت اوست که در نتیجه، این که چگونه انسانی توان تحمل مسائل و مشکلات را داشته باشد، اینکه شیوه عمل هر فرد چه باشد، همه و همه اجزای تشکیل دهنده و تغییر ناپذیر و تنزل ناپذیر آن ترکیب خاصی هستند که سیاستگذاری‌ها بر اساس آن انجام می‌شود. علاوه بر این، افراد کوله باری از حساسیت‌های خاص و تعهدات خاص دارند که در احراز هر پست و مقامی و در ورود به هر سازمانی آن را به دوش می‌کشند. بنابراین به روشنی اهمیت، ارتباط و تاثیر عواطف و احساسات انسان، رفتار دفاعی او و رفتار رقابت جویانه او (سعادت، ۱۳۶۸: ۱۱۵) در تصمیم‌گیری‌ها نمود می‌یابد. در ادامه پژوهش پس از بررسی احزاب کردستان عراق به دیدگاه احزاب و جریان‌های کردستان درباره استقلال کردها و دلایل ایجاد اختلاف در بین احزاب اصلی کردستان می‌پردازیم.

بررسی احزاب کردستان عراق:

زیگموند نیومن^۱، حزب سیاسی را سازمانی منضبط از افراد تلاشگر سیاسی جامعه می‌داند

1. Sigmund Newman

که هدف آنها چیرگی بر حکومت است و برای برخورداری از پشتیبانی مردم، با گروه یا گروه‌های دیگر که باور متعارض دارند به رقابت می‌پردازد (حزب و توسعه سیاسی جلد ۱، ۱۳۷۸: ۱۸۰). حزب سازمانی سیاسی و رابطی میان مردم و حکومت است که به دنبال تأثیرگذاری و سهم شدن در قدرت سیاسی می‌باشد.

در پارلمان کردستان عراق احزاب زیر فعالیت می‌کنند: حزب دمکرات کردستان عراق، اتحادیه میهنی کردستان، حزب گوران «تغییر» اتحاد اسلامی کردستان، جماعت اسلامی کردستان، جنبش اسلامی کردستان، حزب سوسیالیست دمکرات کردستان، حزب کمونیست کردستان عراق، اقلیت ترکمانی: شامل جبهه ترکمن‌های عراق، لیست ترقی خواه ترکمانی، لیست اربیل ترکمانی، جنبش دمکراتیک ترکمن، اقلیت مسیحی شامل: مجلس ملی کلدانی سریانی آشوری، لیست الرافدین، لیست ابناء الرافدین. اختلافات اساسی میان سه حزب اول کردستان می‌باشد یعنی: حزب دمکرات کردستان، اتحادیه میهنی و گوران (نوری اصل، ۱۳۹۵). در ادامه اشاره‌ای مختصر به برخی از احزاب اصلی پارلمان کردستان عراق، و همچنین در آخر این بخش به تعداد کرسی‌ها و دیدگاه آن‌ها درباره استقلال پرداخته شده است.

احزاب کردستان عراق:

حزب دمکرات کردستان عراق: رژیم پهلوی به دلیل اختلافات مرزی با حکوت عراق برای تحت فشار دادن آن از کردها که معارض با حکومت عراق بودند، از نظر مالی و نظامی حمایت می‌کرد. اما در سال (۱۹۷۵) میلادی رئیس جمهور عراق با نظر ایران مبنی بر تعیین خط تالوگ بر اروندرود موافقت کرد و محمدرضا شاه حمایت از کردها را قطع کرد، که با این اتفاق کردها اصلی‌ترین حامی خود یعنی ایران و امریکا را از دست دادند. مصطفی بارزانی بنیانگذار حزب دمکرات کردستان عراق همراه نیروهای تحت امر خود جنگ با عراق را پایان دادند و به ایران پناهنده شدند، پیروزی انقلاب اسلامی ایران فرصت جدیدی برای کردهای عراق فراهم کرد، مصطفی بارزانی چند روز پس از تبریک پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر اثر بیماری سرطان در ۱۱ اسفند ۱۳۵۷ هجری شمسی در آمریکا فوت کرد (محمدی سیرت، بختیاری، ۱۳۹۵: ۱۴۱-۱۳۸). بعد از او مسعود بارزانی طی یک دوره از انتخابات در کنگره حزب به رهبری این حزب انتخاب گردید این حزب که در سال (۱۹۴۶) میلادی در



بغداد تشکیل شد به مبارزاتش علیه حکومت دیکتاتور عراق ادامه داد، تا توانست در سال (۱۹۹۱) میلادی در پی یک قیام مردمی و حمله منظم حزب، به پایگاه‌های حکومت عراق، خاک کردستان عراق را آزاد، و یک حکومت کردی در این منطقه برپا سازد. این حزب در انتخابات پارلمانی کردستان همیشه اکثریت کرسی‌ها را به خود اختصاص داده و در صدر احزاب ایستاده است، همچنین حزب نامبرده یکی از اصلی‌ترین جریان‌های استقلال‌طلبی کردهای عراق تا به امروز بوده است.

اتحادیه میهنی کردستان: یکی از احزاب اصلی کردستان عراق است، که جلال طالبانی در سال (۱۹۷۵) میلادی آن را تأسیس کرد، این حزب در ابتدا یک تشکیلات مارکسیست - لنینیست بود اما به مرور به تشکیلاتی با محوریت ناسیونالیسم کردی تبدیل شد. اتحادیه میهنی بعد از جنگ‌های داخلی که با حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی داشت، به تدریج توانست در میان کردهای عراق جایگاه مناسبی پیدا کند این جنگ‌ها که از سال (۱۹۹۴) میلادی آغاز شده بود به علت نزدیکی مسعود بارزانی به صدام، سبب سوق دادن اتحادیه میهنی به سوی ایران شد، که باعث شکل‌گیری روابط حسنه با ایران گردید. این حزب پس از فروپاشی حکومت بحث و حمله آمریکا به این کشور توانست در مناسبات سیاسی در کنار سایر احزاب کرد عراق، نقش ایفا کند که یکی از نشانه‌های نقش این حزب، انتخاب شدن جلال طالبانی به ریاست جمهوری عراق می‌توان اشاره کرد (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۶-۱۸۵).

ایران به طور سنتی از اتحادیه میهنی، و ترکیه از حزب دموکرات کردستان پشتیبانی می‌کند. حزب اتحادیه میهنی در عمل دچار شکاف درونی است، از یک طرف «هیرو ابراهیم^۱» همسر جلال طالبانی و پسرش «بافل^۲» قرار دارند که مخالف مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق هستند، و از سوی دیگر «کوسرت رسول^۳» جانشین طالبانی قرار دارد که همچنان به بارزانی وفادار است. پس از عقب نشینی نیروهای پیشمرگه از کرکوک، مسعود بارزانی، رئیس حکومت اقلیم و رهبر حزب دموکرات کردستان عراق، انگشت اتهام را به طرف حزب اتحادیه میهنی گرفت.

1. Patriotic Union of Kurdistan
2. Hiro Ibrahim
3. Baffle
4. Custer rasol



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعه نرسانت العالم الاسلامی

۹۲

سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

جنبش تغییر یا جنبش گوران^۱: یک حزب سیاسی در کردستان عراق می‌باشد. مرکز این جریان در سلیمانیه عراق است، در سال (۲۰۰۷) میلادی نوشیروان مصطفی^۲ معاون سابق جلال طالبانی و دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق پس از جدایی از این حزب به همراه عده‌ای دیگر از اعضای این حزب و شخصیت‌های مستقل دیگر اقدام به تأسیس این جریان کرد، در انتخابات پارلمان کردستان در سال (۲۰۰۹) میلادی به عنوان اپوزیسیون اصلی ائتلاف کردستان متشکل از حزب دمکرات و اتحادیه میهنی مطرح شد (دهقانی، ۱۳۸۹: ۴۳). این جریان خود را مدافع آزادی و دمکراسی و مخالف فساد و قبیله‌گرایی معرفی می‌کند. پس از مرگ نوشیروان مصطفی در ۱۹ مه (۲۰۱۷) میلادی عمر سید علی به رهبری این حزب انتخاب شد.

حزب اتحاد اسلامی کردستان^۳: این گروه که در سال (۱۹۹۴) میلادی اعلام موجودیت کرد، از سوی کشورهای عرب خلیج فارس حمایت می‌شود، و در حال حاضر بزرگترین و مجهزترین گروه اسلامی کردستان عراق است. به گفته رهبران این گروه هدف اتحاد اسلامی کردستان پشتیبانی از سیستم سیاسی چند حزبی در چارچوب دمکراتیک است، که بتواند دو حزبی کنونی را به چالش بکشد. از مهمترین اهداف حزب: دعوت به تعالیم اسلام، تربیت اعضا بر اساس آموزه‌های دینی، مبارزه برای حفظ حقوق ملت کرد، ایفای حقوق قومی و دینی کردها، کمک به حفظ حقوق ترکمن‌های عراق، حمایت از ملت‌های مظلوم مسلمان، و در رأس آن‌ها پشتیبانی از آرمان فلسطین است (پشنگ، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

حزب جماعت اسلامی کردستان عراق^۴: دومین حزب اسلام‌گرای پر قدرت در کردستان عراق است که توسط ملا علی عبدالعزیز در سال (۲۰۰۳) میلادی تأسیس شد. رئیس فعلی حزب، علی باپیر^۵ در سال (۲۰۰۳) میلادی از سوی نیروهای امریکایی به اتهام ارتباط با اسلام‌گرایان تندرو بازداشت و بعدها با وساطت رهبران کرد «بارزانی و طالبانی» آزاد شد. این حزب در انتخابات پارلمانی (۲۰۰۹) میلادی کردستان عراق توانست چهار کرسی و در انتخابات (۲۰۱۳) میلادی شش کرسی را نصیب خود کند (پشنگ، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

1. motus Goran

2. Noushirvan Mostafa

3. Islamic Republic of Kurdistan Party

4. Iraqi Kurdistan Islamic Jamaat Party

5. Ali Bāpīr



حزب جنبش اسلامی کردستان عراق^۱: این جنبش توسط عثمان عبدالعزيز در سال (۱۹۸۷) میلادی تأسیس شد. مهمترین اهداف جنبش اسلامی کردستان: تأکید بر شریعت اسلامی، دعوت به جهاد برای استقرار حکومت اسلامی در کردستان، تبیین آرمان کردستان برای همه ملت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و باز گرداندن حقوق از دست رفته کردها، جهاد برای براندازی دیکتاتوری و ایجاد رژیم ایالتی در عراق، جهاد در راه محو امپریالیسم و نژادپرستی و سلطه جویی بود. این جنبش در انتخابات پارلمانی شمال عراق در سال (۱۹۸۷) میلادی شرکت کرد و پس از حزب دمکرات و اتحادیه میهنی، در جایگاه سوم قرار گرفت و در انتخابات سال (۲۰۱۳) میلادی توانست یک کرسی را به خود اختصاص بدهد (پشنگ، ۱۲۱۱۳۹۱).

حزب سوسیالیست دمکرات کردستان^۲: یک حزب سیاسی در کردستان عراق می‌باشد، در ششمین کنگره‌ی حزب سوسیالیست کردستان که در آوریل در تاریخ (اردیبهشت ۱۳۹۰) برگزار شد «محمد حاجی محمود» مجدداً به عنوان دبیر کل حزب سوسیالیست کردستان عراق انتخاب شد. حزب سوسیالیست دمکرات کردستان در سال (۱۹۷۶) میلادی توسط جمعی از فعالین سیاسی از جمله «سید صالح یوسفی» تشکیل شد. این حزب تا قبل از (۱۹۹۱) میلادی و پیروزی کردها و تشکیل حکومت کردستان به مدت ۱۵ سال در تمامی نقاط کردستان به طور مؤثر دست به عملیاتهای چریکی و مسلحانه می‌زد، که در این راه هزاران نفر از نیروهای این حزب به شهادت رسیدند؛ و پس از سال (۱۹۹۱) میلادی در تمامی فعالیتهای سیاسی و انتخاباتی کردستان شرکت داشته است. حزب سوسیالیست در جنگ سال (۲۰۰۳) میلادی و نابودی رژیم بعث با نیروهای همپیمانان حضور مؤثری داشته است.

حزب کمونیست کردستان عراق^۳: حزبی است با بینش مارکسیستی، که قبلاً از سال (۱۹۴۵) میلادی به بعد به عنوان شاخه حزب کمونیست کردستان عراق فعالیت می‌کرد. از آغاز دهه ۹۰ میلادی با نام جدید فعالیت مستقل خود را ادامه داد. صدر حزب محمد جوانرودی^۴ بود، پس از وی کمال شاکر جانشین وی شد. حزب کمونیست کردستان عراق

1. Iraqi Movement of Kurdistan Movement
2. Democratic Socialist Party of Kurdistan
3. Iraqi Kurdistan Communist Party
4. Mohammad Javanroodi

در انتخابات‌های مجلس قانونگذاری عراق در ژانویه و دسامبر (۲۰۰۵) میلادی به عنوان بخشی از ائتلاف میهنی دموکراتیک کردستان شرکت داشت، حزب کمونیست کردستان - عراق در نخستین کنگره حزب کمونیست عراق در سال (۱۹۴۵) میلادی به سبب اهمیت مسئله ملی کرد، با عنوان «شاخه کردی حزب کمونیست عراق» تأسیس شد. بعدها این شاخه کردی به «شاخه کردستان» تغییر نام داد. در ماه مه (۱۹۶۶) میلادی «شاخه کردستان حزب کمونیست عراق» نخستین کنفرانس خود را تشکیل داد. سپس در سومین کنفرانس حزب در دسامبر (۱۹۶۷) میلادی به «سازمان اقلیم کردستان حزب کمونیست عراق» تغییر سازمان داد. در نهایت دومین کنگره «سازمان اقلیم کردستان حزب کمونیست عراق» در ۳۰ ژوئن (۱۹۹۳) میلادی تشکیل شد و در این کنگره «حزب کمونیست کردستان-عراق» به عنوان ادامه دهنده راه سازمان اقلیم کردستان اعلام موجودیت کرد. در سال (۲۰۱۱) میلادی حزب کمونیست کردستان طی برنامه‌ای خواستار انجام سریع اصلاحات در همه حوزه‌ها شده است. طی این برنامه بر لزوم گفتگوی همه گروه‌ها، اصلاح قانون اساسی، انتخابات زود هنگام، جلوگیری از دخالت احزاب در سیستم حکومتی، فعال کردن و نظم بخشیدن به امور قضایی، شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی، انجام فعالیت‌های عمرانی، توجه به قشر ضعیف، اشاره شده است.

جبهه ترکمن‌های عراق: این جبهه در سال (۱۹۹۵) میلادی در اربیل عراق و به نمایندگی از مردم ترکمان عراق و به عنوان یکی از شاخه‌های ائتلاف میهنی تأسیس شد. این جنبش در مناطق شمالی عراق به رهبری سعادت‌الدین ارگج به رقابت با سایر احزاب جهت ورود به پارلمان به رقابت می‌پردازد. دیگر رهبران این حزب ارشد صالحی و حسن توران می‌باشد. حوزه عملکرد این حزب در شهرهای کرکوک، تلعفر، موصل، اربیل، کفری و طوز خورماتو می‌باشد. جبهه ترکمن‌های عراق دارای ۵ کرسی در پارلمان نمایندگان عراق و ۱ کرسی در مجلس میهنی کردستان عراق می‌باشد. این حزب توسط ارتش و دولت ترکیه پشتیبانی می‌شود. ارشد صالحی از رهبران این حزب رفراوندوم اقلیم کردستان را مشروط به تقسیم قدرت نموده است، در واقع قضیه این است، که جبهه ترکمانی عراق به سخنگوی دولت ترکیه و حزب عدالت و توسعه تبدیل شده است و هر گونه ائتلاف یا اعتراض علیه سیاست‌ها و برنامه‌های دولت مرکزی عراق یا دولت محلی اقلیم کردستان را با هماهنگی



ترکیه انجام می‌دهد (ارشد صالحی ، فرماندوم اقلیم کردستان را مشروط به تقسیم قدرت نمود، خبرگزاری فارس).

مجلس ملی کلدانی سریانی آشوری^۱: بعد از اینکه در سال (۲۰۰۶) میلادی سیاستمدار معروف آشوری «سرکیس آغا جان» برای آشوریان عراق طلب خودمختاری کرد ، در اواسط ماه مارس (۲۰۰۷) میلادی، مجلس ملی کلدانی سریانی آشوری توسط او تأسیس گردید. این مجلس تا بحال دو کنگره (۲۰۰۷ ، ۲۰۰۹) میلادی منعقد کرده است . سیستم رهبری آن به شیوه دسته رهبری است ، که از سه شخص تشکیل میشود و بصورت متناوب هر شش ماه یک بار یکی از آنها بعنوان رئیس مجلس و دو تای دیگر بعنوان جانشینان اول و دوم ریاست مجلس را به عهده می‌گیرند.

جنبش دموکراتیک ترکمن^۲: این تشکل به رهبری نورالدین نجم‌الدین است، که نمایندگی مردم ترکمان عراق در پارلمان را داشته و از شاخه‌های حزب دموکرات کردستان عراق می‌باشد. تشکیل دهندگان این حزب از اعضای سابق جبهه ترکمان‌های عراق هستند که در سال (۲۰۰۴) میلادی آن را به وجود آوردند. این حزب از مخالفان دخالت ترکیه در امور داخلی ترکمن‌های عراق می‌باشد. جنبش دموکراتیک ترکمن به دلیل حمایت از انتقال منطقه نفت‌خیز کرکوک به حکومت اقلیم کردستان عراق از پشتیبانی و حمایت کردها برخوردار است، در انتخابات پارلمان اقلیم کردستان در (۲۰۱۳) میلادی ترکمان‌های همسو با دولت اقلیم کردستان توانستند ۴ کرسی از مجموع ۵ کرسی اختصاصی را بدست آورند (نتایج نهایی انتخابات پارلمان کردستان عراق اعلام شد، خبرگزاری فارس).

مجموع کرسی‌های پارلمان کردستان:

مجموع کرسی‌های پارلمان کردستان ۱۱۱ کرسی می‌باشد، که ۱۰۰ کرسی به جریان‌ها و احزاب و ۱۱ کرسی نیز به اقلیت‌ها اختصاص داده شده است. حزب دموکرات کردستان عراق ۳۸ کرسی، حزب گوران یا «جنبش تغییر» ۲۴ کرسی، اتحادیه میهنی ۱۸ کرسی، اتحادیه اسلامی کردستان ۱۰ کرسی، جماعت اسلامی ۶ کرسی، جنبش اسلامی کردستان ۱ کرسی، حزب کومونیست کردستان عراق ۱ کرسی، حزب سوسیالیست دموکرات کردستان ۱ کرسی،

1. Assyrian Syriac Chaldean National Assembly

2. Turkmen Democratic Movement

جریان سوم (آراسته سوم) ۱ کرسی. اقلیت ترکمانی: جبهه ترکمن‌های عراق ۱ کرسی، لیست ترقی خواه ترکمانی ۲ کرسی، لیست اربیل ترکمانی ۱ کرسی، جنبش دموکراتیک ترکمن ۱ کرسی، اقلیت مسیحی: مجلس ملی کلدانی سریانی آشوری ۲ کرسی، لیست الرافدین ۲ کرسی، لیست ابناء الرافدین ۱ کرسی، و اقلیت ارمنی‌ها ۱ کرسی (خبرگزاری فارس، نتایج نهایی انتخابات پارلمان کردستان عراق، ۱۳۹۲).

دیدگاه احزاب و جریان‌های کردستان درباره استقلال کردها:

حزب دمکرات کردستان عراق، به رهبری مسعود بارزانی به عنوان رهبر حزب حاکم و رئیس اقلیم، متولی اصلی اجرای طرح رفراندوم استقلال اقلیم کردستان عراق می‌باشد. این حزب اصلی‌ترین حامی برگزاری رفراندوم استقلال کردستان عراق است. حزب دمکرات همچنین ریاست انجمن عالی برگزاری رفراندوم را به عهده دارد، که کم و بیش، همه احزاب به جزء حزب تغییر و جمعیت اسلامی در آن نماینده دارند.

حزب تغییر یا در زبان کردی «گوران» دومین حزب قدرتمند اقلیم کردستان عراق است. این حزب در انتخابات (۲۰۱۳) میلادی توانست به دومین قدرت اقلیم تبدیل شود. این حزب از مدافعان حق تعیین سرنوشت اما مخالف برگزاری همه‌پرسی به این شکل و در شرایط فعلی است. در آخرین روزهای قبل از تعطیلی پارلمان اولویت حزب تغییر، نه برگزاری همه‌پرسی بلکه حل بحران ریاست اقلیم و تغییر شکل نظام سیاسی حکمرانی بود.

در حزب اتحادیه میهنی کردستان به رهبری مرحوم جلال طالبانی که بر اساس آخرین انتخابات اقلیم در سال (۲۰۱۳) میلادی سومین قدرت سیاسی به حساب می‌آید، در مورد همه‌پرسی استقلال کردستان توافق نظر وجود ندارد. این حزب در سالهای بعد از بیماری طالبانی دچار چند دستگی و اختلاف شد، در حال حاضر دو جناح اصلی این حزب یکی حامی و یکی مخالف همه‌پرسی بودند. موافقان در ائتلاف با حزب دمکرات، از برگزاری همه‌پرسی حمایت کرده بودند. آنها روز ۱۷ سپتامبر عملاً کمپین تبلیغاتی خود را در حمایت از همه‌پرسی کردستان اعلام کردند.

حزب اتحاد اسلامی کردستان که ۱۰ نماینده در مجلس دارد و بخشی از دولت ائتلافی است، اگر چه در ابتدا در جبهه تغییر بود اما به مرور و در پی نشست‌هایی با حزب دمکرات



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

کردستان عراق، متقاعد شد از رفتارند حمایت کند. حزب جماعت اسلامی، دیگر حزب اسلام‌گرای کردستان عراق است که همراه با حزب گوران تا لحظه برگزاری همه‌پرسی روز ۲۵ سپتامبر مخالف بودند این حزب به همراه حزب تغییر دو حزب اصلی مخالف برگزاری همه‌پرسی در شرایط کنونی بودند. حزب جنبش اسلامی، این حزب اسلام‌گرا که تنها یک کرسی در مجلس دارد از جمله موافقان برگزاری همه‌پرسی استقلال بوده است. جنبش اسلامی در انجمن عالی برگزاری همه‌پرسی هم که روز ۷ ژوئن امسال تشکیل شد نماینده دارد. حزب سوسیالیست کردستان و حزب شیوعی، این دو حزب چپگرا که هر کدام در مجلس ۲ کرسی دارند، موافق برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان بوده‌اند. آنها در انجمن عالی برگزاری رفتارند نماینده دارند، و در جلسه بازگشایی پارلمان در ۱۵ سپتامبر هم شرکت کردند. علاوه بر اینها گروه «راه سوم» نیز که یک کرسی در مجلس دارند با برگزاری همه‌پرسی موافق بودند. اقلیت‌های دینی و قومی همگی جز جبهه ترکمانی که تنها یک کرسی دارد، از موافقان برگزاری همه‌پرسی بوده‌اند. جبهه ترکمانی در شهر محل مناقشه کرکوک از مخالفان شدید برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان و خواهان لغو طرح آن بود (ایران آنالین، احزاب سیاسی کردستان عراق، ۱۳۹۶).

دلایل بروز اختلاف بین اتحادیه میهنی و حزب دمکرات:

قبل از شروع به این فصل پایانی در رابطه با پژوهش مورد نظر اشاره‌ای مختصر می‌کنیم به تاریخچه شکل‌گیری مبارزات و اختلافات آنها با یکدیگر و در ادامه به مهمترین موارد مورد اختلاف بین این دو حزب می‌پردازیم. کردستان میانی و مرکزی که امروزه به شمال کشور عراق اطلاق می‌شود، از جمله نواحی پر جمعیت کردنشین به شمار می‌رود که طبق «توافقنامه سایکس پیکو» (۱۹۶۱) میلادی و در پی توافق کشورهای بزرگ وقت (فرانسه و انگلیس) برای تقسیم امپراطوری عثمانی و تشکیل کشور جدید به نام عراق صورت گرفت (محمدي، ۱۳۸۶: ۱۱۰).

کردستان عراق شامل پنج استان: سلیمانیه، کرکوک، اربیل، موصل و دهوک و شهرهای دیگر نظیر مندلی، خانقین، کوت، عماری، زرباطیه، علی شرقی و علی غربی، بدره (جزء

استانهای عربی واسط) می‌باشد، در حال حاضر جمعیت کردهای عراق حدود یک سوم جمعیت کل کشور عراق را تشکیل می‌دهند. در پی کودتای عبدالکریم قاسم در سال (۱۳۵۸) میلادی قانون اساسی موقتی تدوین شد که به طور مستقیم کردها و عربها را برابر دانست، و حزب دمکرات کردستان را به رسمیت شناخت، ولی بعد از مدتی این امتیازات را از کردها گرفتند و به مبارزه با آنها پرداختند تا اینکه توسط حزب بعث عبدالکریم قاسم سقوط کرد و بعد از آن عبدالسلام عارف قدرت را به دست گرفت. او مدتی با کردها خوب بود ولی در سال (۱۹۶۳) میلادی حملات خود را به مناطق کردنشین آغاز کرد، و دست به کوچ کردها زد و اعراب را جایگزین آنها نمود.

بعد از مرگ عبدالسلام، ژنرال عبدالرحمن عارف جانشین وی شد او با شدت بسیار، جنگ با کردها را ادامه داد، تا اینکه رئیس جمهوری آتش بس اعلام کرد و باعث شد در سال (۱۹۶۳) میلادی یک کودتا شکل بگیرد و احمد حسن البکر رئیس جمهور شود. کماکان جنگ ادامه داشت تا اینکه ژنرال حسن البکر در سال (۱۹۷۰) میلادی با مصطفی بارزانی یک قرارداد محرمانه مبنی بر به رسمیت شناختن حقوق کردها منعقد کرد که طبق آن در سال (۱۹۷۴) میلادی خود مختاری کردستان اعلام شود، ولی رژیم بعث موافقت نکرد و بر جنگ ادامه داد و مردم روستاهای دیاله و کرکوک را از محل خود بیرون و اعراب را جایگزین کرد (ابالاس، ۱۳۷۷: ۱۳۸). در همین زمان بر اثر حمایت شوروی از عراق آمریکا نیز به وسیله محمد رضا شاه به حمایت از کردهای درگیر با دولت عراق پرداخت.

درگیری‌ها بین کردها و حزب بعث شدت گرفت و صدام حسین مجبور شد برای رهایی از گردابی که کردها ایجاد کرده بودند، در کنفرانس الجزایر (۱۹۷۵) میلادی با وساطت کشور مصر و الجزایر با محمد رضاشاه صلح برقرار کند. شاه ایران که در نتیجه صلح بر اروندرود تسلط پیدا کرده بود حمایت‌های خود را از کردها قطع کرد، و این نتیجه را به دنبال داشت تا صدام حسین فجیع‌ترین جنایات را در تاریخ علیه کردها مرتکب بشود. بعد از این بود که گروه‌های مبارز در کردستان عراق به دو گروه حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان تقسیم شدند (کوچرا، ۱۳۷۷: ۱۲۰).

ملا مصطفی بارزانی در سال (۱۹۷۹) میلادی بر اثر بیماری از دنیا رفت و بعد از آن پسرش مسعود بارزانی رهبری حزب دمکرات را بر عهده گرفت، حزب اتحادیه میهنی در



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های جهانی اسلام

سال (۱۹۷۵) میلادی به علت جدا شدن جلال طالبانی و گروهی از مخالفان مصطفی بارزانی از حزب دمکرات کردستان تأسیس گردید، این حزب از سال (۱۹۷۷) میلادی رسماً مبارزات خود را آغاز کرد (کوچرا، ۱۳۷۷: ۱۳۵). این مبارزات ادامه پیدا کرد تا اینکه پس از حمله عراق به کویت در سال (۱۹۹۱) میلادی کردها از فرصت استفاده کرده و با حمایت قدرت‌های بزرگ یعنی آمریکا و انگلیس توانستند نیروهای عراق را از منطقه کردستان خارج کنند، در این سال آمریکا یک منطقه امن تحت حاکمیت کردها بنام مدار (۳۶) درجه مشخص کرد. در این میان حزب دمکرات بر دو استان اربیل و دهوک و اتحادیه میهنی بر استان سلیمانیه مسلط شدند (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). کردها توانستند بعد از سال (۱۹۹۱) میلادی تا حدودی خود مختاری خود را حفظ کنند ولی پس از مدتی اختلافات زیادی بین دو حزب کردستان پدید آمد بطوریکه نبرد سال (۱۹۹۶) میلادی میان طالبانی و بارزانی، کردستان را به دو بخش تقسیم کرد، سلیمانیه نصیب طالبانی و دهوک و اربیل سهم بارزانی شد. بعد از حمله آمریکا به عراق رهبران کرد بر سر اداره مشترک مناطق کردنشین به توافق رسیدند که مسعود بارزانی به عنوان رئیس جمهور منطقه کردستان انتخاب گردید و جلال طالبانی به عنوان رئیس جمهور عراق شناخته شد. که باعث شد کردها پس از مدتها تلاش و مبارزه با حمایت‌های آمریکا (در قبال کمک‌هایشان به سرنگونی رژیم صدام) به آرزوی دیرینه خود تا حدودی برسند (ملا عمر، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

با مروری بر ساختار سیاسی گذشته کردستان عراق مشخص می شود تا سال (۲۰۰۸) میلادی ساختار سیاسی حاکم در کردستان عراق در کنترل دو گروه حزب دمکرات کردستان به ریاست مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان به ریاست مرحوم جلال طالبانی بود، این دو جریان سیاسی مدتی در صلح و گاهی در جنگ و ستیز رودرروی هم قرار می گرفتند و همواره در این مدت سایر احزاب کردستان عراق پیوسته علیه حزب دمکرات یا اتحادیه میهنی فعالیت کردند (گروه پژوهش موسسه، ۱۳۹۱: ۲۰۴).

از جمله شخصیت‌های سیاسی قدرت طلب در اقلیم کردستان عراق می توان به مسعود بارزانی و جلال طالبانی اشاره کرد، جلال طالبانی به دلیل بیماری اقدامات زیادی را نمی توانست انجام دهد. اما قدرت طلبی مسعود بارزانی زبان زد است، بارزانی از سال (۲۰۰۵) میلادی بر مسند ریاست اقلیم کردستان قرار دارد و چندین نوبت ریاست خود را

تمدید نموده است. این تمديد‌ها از طرف انجمن شورای قضایی اقلیم کردستان که وابسته به وزارت دادگستری دولت اقلیم است، صورت گرفت اما سایر احزاب چنین حکمی را نپذیرفته و معتقدند که این انجمن نهادی مشورتی است و ابقا کردن بارزانی در حیطه اختیارات آن نیست (بارکی^۱، ۲۰۰۵: ۷۷).

همین قدرت طلبی باعث شده تا از پنج حزب اصلی و مهم کردستان حزب دمکرات کردستان عراق، اتحادیه میهنی، جنبش تغییر یا گوران، اتحاد اسلامی و جماعت اسلامی، تنها حزب دمکرات کردستان عراق که شخص مسعود بارزانی ریاست آن را بر عهده دارد موافق او، و سایر احزاب با ادامه ریاست غیرقانونی بارزانی بر اقلیم مخالفت نمایند و بر مجموعه اقداماتی از جمله اخراج رئیس پارلمان، فساد اداری و مالی مخصوصاً نفت و ... که وی در این مدت انجام داده است اعتراض داشته باشند، و برای کسب استقلال، در حال حاضر با وی همراه نشوند. برخی از گروه‌های اسلامی، اتحادیه میهنی و جنبش گوران یا جنبش تغییر مخالف استمرار ریاست بارزانی بر اقلیم هستند و اصرار دارند که قانون اساسی به رأی گذاشته و اصلاح شود و یا اینکه از طریق مصوبه پارلمان، نظام از ریاستی تبدیل به نظام پارلمانی شود تا از این طریق بتوان در مورد ادامه استمرار ریاست مسعود بارزانی تصمیم گرفت (زیباکلام و خلیل طهماسبی، ۱۳۹۵: ۸۵).

از طرفی مسعود بارزانی با تاکید بر انجام این اقدام، سعی دارد استقلال را به نام خود در تاریخ ثبت نماید. تقریباً تمامی گروه‌ها و احزاب اقلیم کردستان عراق در اعلام استقلال توافق نظر دارند اما در مورد نحوه اعلام استقلال و زمان این اقدام با هم اختلاف نظر دارند، تنها حزب دمکرات به برگزاری هرچه سریعتر رفراندوم و استقلال اعتقاد دارد، اما احزاب دیگر این زمان را مناسب برای این اقدام نمی‌دانند، و معتقدند در ابتدا باید مسائل و مشکلات داخلی حل و فصل شده و بعد از روبه راه شدن اوضاع و در شرایط مناسب استقلال اعلام شود (سایت تحلیلی طنین، ۱۳۹۶).

اقلیم کردستان ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه در روز نفت می‌فروشد. این در حالی است که؛ سهم فروش نفت کشور عراق سه میلیون و هفتصد هزار بشکه در روز است و سومین کشور دارای نفت جهان می‌باشد. با این همه وابستگی به نفت و میزان بالای فساد مالی رهبران

1. barkey

اقلیم، منجر به نارضایتی‌های گسترده در سرتاسر اقلیم شده است و مردم را نسبت به رهبری بارزانی مردم ساخته و آنان را به حمایت از احزاب مخالف تشویق کرده است. همچنین مسئله وابستگی اقتصادی حکومت اقلیم به ترکیه، پرستیژ و اعتبار دولت بارزانی را زیر سوال برده است (زیباکلام و خلیل طهماسبی، ۱۳۹۵: ۸۲)

عملیات نظامی نیروهای عراقی در شهر کرکوک پس از شکل‌گیری ناموفق همه‌پرسی استقلال کردستان، اختلاف‌ها میان احزاب کرد در منطقه کردستان عراق را افزایش داد، این احزاب شماری از مسئولان حزب اتحادیه میهنی کردستان را که حامی جلال طالبانی رئیس‌جمهور سابق عراق هستند به خیانت متهم کردند و همه‌پرسی را تلاش بارزانی و حزب او برای تحکیم انحصار قدرت در دست آن‌ها دانست. اختلاف‌های داخلی میان کردها در یک لحظه به وجود نیامده است بلکه این اختلاف‌ها قدیمی و شدید هستند. مسئولان منطقه کردستان عراق، شماری از مسئولان اتحادیه میهنی را به خیانت و همچنین برخی منابع امنیتی هم نیروهای پیشمرگه وابسته به حزب اتحادیه میهنی کردستان را به تخلیه مواضع خود در جنوب کرکوک متهم کردند؛ موضوعی که به نیروهای عراقی اجازه داد به این مناطق پیشروی کنند و کنترل آنجا را به دست بگیرند (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۶).

به گزارش زیریان به نقل از کردپرس، نشریه کریستیان ساینس مانی‌تور^۱ در گزارشی به اختلافات میان حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و حزب اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی بر سر مسئله اعلام استقلال کردها از عراق پرداخته و می‌نویسد: «رهبری بی‌چون و چرای بارزانی بر حزب دموکرات جایی برای اختلاف نظر درباره استقلال در این حزب نگذاشته است، اما رهبران اتحادیه میهنی در غیاب جلال طالبانی دبیر کل این حزب که نزدیک به سه سال از غیبت وی در صحنه سیاسی عراق می‌گذرد، نمی‌توانند موضع واحدی در قبال مسئله استقلال درپیش بگیرند، و در مقابل حزب دموکرات موضع محتاطانه‌تری دارند».

کریستیان ساینس مانی‌تور^۱ - با اشاره به مناطق تحت نفوذ حزب دموکرات در شمال اقلیم و مناطق جنوبی و کرکوک تحت نفوذ اتحادیه میهنی، این مسئله را یکی از موارد اختلاف برانگیز میان دو حزب عمده اقلیم کردستان در جریان استقلال عنوان می‌کند.^۲ - اختلاف در

1. christian science monitor



رهبری یکی از اختلافات دیگر میان این دو حزب است، حزب دموکرات بر خلاف حزب اتحادیه میهنی پروسه تصمیم‌گیری را در حزب منسجم کرده و بارزانی رهبر بلا منازع حزب است اما اتحادیه میهنی از دو سال پیش و به دنبال سکتۀ جلال طالبانی از رهبری قاطع محروم بوده و رهبران آن در مورد استقلال نظر واحدی ندارند؛ برخی از آن حمایت می‌کنند و برخی مخالف آن هستند. ۳- یکی از موارد مورد اختلاف دیگر میان حزب دموکرات و اتحادیه میهنی پیرامون مسئله استقلال، روابط آنها با کشورهای همجوار از جمله ترکیه و ایران است. حزب دموکرات که بیشترین اختیارات را در دولت اقلیم کردستان داراست، رابطه مستحکمی با ترکیه که حامی محتمل استقلال است و به دنبال بهره‌برداری از انرژی اقلیم کردستان است، دارد اما اتحادیه میهنی تحت تأثیر نفوذ ایران و حساسیت این کشور درباره این مسئله قرار دارد و نگران واکنش بسیاری از کشورهای منطقه است (آژانس خبری تحلیلی زیران، ۱۳۹۳) ۴- قدرت طلبی در منطقه اقلیم کردستان یکی دیگر از موارد مورد اختلاف آنها است بطوریکه از زمان تشکیل حکومت خودمختار منطقه کردستان عراق، دو حزب اصلی این منطقه یعنی «اتحادیه میهنی طالبانی» و «حزب دموکرات بارزانی»، دو رقیب اصلی و تاریخی در عرصه به دست گرفتن قدرت در کردستان عراق به شمار آمده‌اند. طی چند سال اخیر حزب دموکرات کردستان، با داشتن بیشترین کرسی‌های پارلمانی، عملاً اوضاع داخلی، مناسبات خارجی، موقعیت نظامی و امور اقتصادی کردستان را در دست داشته و دو استان اربیل و دهوک در حیطه کنترل کامل این حزب است و اتحادیه میهنی در این دو استان نقش چندانی ندارند. در حالی که مناطق نفوذ حزب اتحادیه میهنی، به عنوان سومین حزب قدرتمند منطقه کردستان به استان سلیمانیه و چند شهر کوچک و بزرگ اطراف آن محدود شده، لذا خواهان سهمی عادلانه از قدرت است (سایت موعود، ۱۳۹۶).

۵- حزب اتحادیه میهنی به رهبری مرحوم جلال طالبانی و عده‌ای از مخالفان مصطفی بارزانی در سال (۱۹۷۵) میلادی با جدا شدن از حزب دموکرات کردستان تاسیس گردید، این حزب که نتیجه اختلافات در حزب دموکرات است طی ادوار مختلف بخصوص در سال (۱۹۹۶) میلادی که به جنگ‌های داخلی مشهور است با حزب دموکرات بر سر مناطق تحت کنترل با هم به نزاع پرداختند. پس اختلافات آنها در قدم اول ناشی از گذشته تیره میان این دو حزب است. ۶- شهر کرکوک که ۴۰ درصد از منابع انرژی عراق را به خود اختصاص

داده است یک منطقه استراتژیک برای دولت عراق و اقلیم کردستان می‌باشد، که پس از حمله دولت اسلامی «داعش» به عراق تحت کنترل کامل پیشمرگه‌های اقلیم به خصوص حزب اتحادیه میهنی قرار گرفت، که با ناکامی جریان استقلال خواهی این منطقه نفت خیز و مهم برای کردستان، با عقب نشینی پیشمرگه‌های اتحادیه میهنی توسط نیروهای عراقی دوباره تحت کنترل دولت عراق قرار گرفت که حزب دمکرات، اتحادیه میهنی را به خیانت متهم کرد، و جریان کرکوک تبدیل به یکی از مهمترین عامل اختلاف میان این دو حزب شد. در مجموع، حزب دمکرات با سایر احزاب به‌ویژه جنبش تغییر و اتحادیه میهنی در مورد مسائلی از قبیل نحوه تعامل با دولت عراق، درآمدهای نفتی اقلیم، ریاست بارزانی بر اقلیم، عدم یکپارچگی مردم اقلیم و ایجاد چند دستگی بین آنها، عملکرد اقتصادی بارزانی و حزب وابسته به او، فساد دستگاه اداری، چگونگی برخورد با داعش و دیگر گروه‌های اسلام‌گرا و جهادی، چگونگی تعامل و رابطه با کشورهای همسایه و مسائل دیگری با هم اختلاف دارند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های یابی جهان اسلام

نتیجه گیری

کردها با قدمتی دیرینه از لحاظ؛ اجتماعی، فرهنگی، نظامی، حکومتی و تمدنی چند هزار ساله و گذشتهایی پرفراز و نشیب امروزه برای رسیدن به هویت از دست رفته خود درگیر تنشها و تعارضهایی علیه چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه و عراق برای رسیدن به خواستههای اجتماعی، اقتصادی و بخصوص ملی گرایانه خود هستند. اقلیم کردستان عراق که مدنظر ما در این مقاله می باشد پس از سالیان متمادی مبارزه و جان فشانیهای بزرگ علیه سرمداران حکومت عراق و همه دسیسه ها و منفعت طلبیهای سایر کشورها؛ مثل: ترکیه، سوریه و... توانستند پس از سقوط صدام حسین رئیس جمهور وقت عراق، با حمایت آمریکا و سایر قدرت های بزرگ که منفعت آنها به حمایت از کردها ایجاب می کرد، به تشکیل اقلیم خود مختار کردستان عراق همت بگمارند.

با تشکیل اقلیم خود مختار کردستان آنها توانستند؛ در چارچوب قانون اساسی عراق به ایجاد نهادها و سازمان های حکومتی در کنار سازمانها و نهادهای حکومتی عراق اقدام بکنند. به طوریکه توانستند از لحاظ: سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و ایدولوژیکی به پیشرفت های قابل ملاحظه ای دست یابند، و همچنین در بعد خارجی و بین المللی توانستند با استفاده از ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت استراتژیکی و همچنین با داشتن قابلیت های بسیار برای سرمایه گذاری کشورهای خارجی در زمینه: اقتصادی، تجاری، صنعت نفت و گاز، نظامی و... خوش بدرخشند. و چهره ای قابل اعتماد با داشتن حکومتی مردمی و دموکراتیک نزد سایر کشورها به دست آورند.

با توجه به وجود زمینه های مناسب و همچنین بحران به وجود آمده ناشی از نا آرامی ها و جنگ های داخلی منطقه خلیج فارس و تسلط گروهک تروریستی داعش بر نواحی از عراق، که منجر شد نیروهای عراقی همه توان خود را به مبارزه با این گروهک اختصاص بدهند، که در غیاب نیروهای عراقی نیروهای نظامی کُرد توانستند بر مناطق مورد مناقشه با حکومت عراق تسلط یابند. با تسلط بر این نواحی از سوی کُردها زمینه هر چه بیشتر استقلال خواهی کردستان عراق فراهم شد، با وجود غیر قانونی خواندن و مخالفت های بعضی از کشورها همچون: ترکیه، ایران، سوریه و عدم حمایت آشکار از جانب قدرت های بزرگ، مسعود بارزانی رهبر حزب دموکرات رفراوندوم استقلال کردستان را اعلام کرد که با حمایت بسیار



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت ترانس عالم الاسلامی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۱۰۴

سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

گسترده مردم مواجه شد ولی بنا به دلایلی این جریان به شکست منتهی گردید.

در این مقاله اشاره کردیم که؛ مهمترین دلیل ناکامی استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق در کنار سایر عوامل، عدم هماهنگی میان احزاب کرد بر سر مسئله فرماندوم در جریان استقلال خواهی بود. زمانی که کشوری می خواهد بر سر مسئله مهمی تصمیم گیری نماید باید همه جوانب و پیامدها را در نظر بگیرد. با توجه با اینکه اقلیم کردستان دارای احزاب مختلف با افکار متفاوت می باشد و هر کدام به دنبال افزایش و حفظ قدرت خود هستند و همچنین نامناسب بودن زمان اعلام فرماندم و عجله کردن در مسئله ای که سال های متمادی به دنبال به وقعت پیوستن آن بودند با ناکامی و شکست مواجه شدند. ولی به نتیجه مهمی دست یافتند و آن این بود که اکثریت مردم اقلیم کردستان خواهان استقلال و جدایی از حکومت همیشه در بحران عراق هستند و به جهانیان ثابت کردند که به دنبال حق تأیین سرنوشت خود می باشند. لذا می توان پیش بینی کرد که کردها در آینده نه چندان دور با توجه به این که از همه لحاظ به سوی خودکفایی تلاش می کنند، می توان انتظار داشت که به آرزوی دیرینه خود که حق قانونی و شرعی آنها می باشد دست خواهند یافت. ولی کردها باید از لحاظ سیاسی و درک کردن متقابل یکدیگر در ساختار قدرت تلاش و خویشتن داری بنمایند تا دوباره درگیر اختلافات داخلی، که به هیچ وجه در راستای استقلال خواهی به نفع آنها نیست نشوند.

در حقیقت از زمانی که ماهیت سیاست از مؤلفه هایی همانند: اخلاق، عدالت، عرفان، فلسفه و غیره... که لازمه زندگی ای بر پایه جاودانگی یک انسان، در جایگاه اشرف مخلوقات جهان آفرینش بود، فاصله گرفت. از آن زمان نور روشنایی بخش یک سیاست مطلوب برای زندگی انسان ها، در چنگال سرمایه داری خاموش شد. و در حال حاضر سیاست بیشتر به وسیله ای برای تحقق اهداف سرمایه داری مبدل گشته، و اهدافی چون: تحقق رفاه، ایجاد عدالت، امنیت، صلح، و فراهم کردن زمینه برابری و برادری، که روزی جزء اهداف اصلی سیاست بود به حاشیه کشیده شده است. در این میان هم، سیاست گذاری های سردمداران کردهای هر سه کشور، علی الخصوص اقلیم کردستان عراق که در این پژوهش بیشتر مدنظر ما بود، درگیر سیاست های سرمایه داری کشورهای حامی استراتژی «تفرقه بینداز و حکومت کن» شده است که جزء پایان نافرجام برای آنها چیز دیگری دربر نخواهد داشت.

و در آخر اینکه کردها همیشه نسبت به سرزمین مادری خود یعنی جمهوری اسلامی

ایران حسی میهن پرستانه داشته‌اند و با وجود اختلافات جزئی میان کردستان عراق با کشور عزیزمان ایران، روابط نسبتاً خوبی میان آنها حاکم است و انتظار می‌رود در آینده این روابط در زمینه‌های مختلف گسترش پیدا کند. اقلیم کردستان عراق به جای اینکه دست التماس به سوی کشورهای چون: آمریکا و اسرائیل که حامی جنگ و نزاع، حامی تروریسم و ناامنی در منطقه خاورمیانه و سرتاسر جهان هستند دراز کند، می‌تواند دست برادری خود را در دستان قدرتمند ایران اسلامی بگمارد، و در این راستا در جهت رسیدن به اهداف مسالمت جویانه و مشروع خویش قدم بر دارد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعية دراسات العالم الإسلامي

۱۰۶

سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

- حاتمی، محمدرضا _ سانیار، میکائیل، (۱۳۹۶)، «همه پرسى اقليم كردستان، منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل»، *فصلنامه مطالعات راهبردى*، سال بیستم، شماره دوم، صص ۱۱۱-۸۶.
- نیکفر، جاسب _ ماهیدشتی، مهدی، (۱۳۹۴)، «واکاوی استراتژی نفتی اقليم كردستان عراق، اهداف و رویکردها»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردى سیاست*، سال چهارم، صص ۱۹۷-۱۶۸.
- بوژمهرانی، حسن _ پور اسلامی، مهدی، (۱۳۹۴)، «خود مختاری كردستان عراق و چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه علمى _ ترویجى دانشگاه علوم و فنون مرز*، سال ششم، شماره ۳، صص ۷۶-۴۳.
- روزبه، عبدالله _ کیانی، جواد، (۱۳۹۵)، «تحولات كردستان عراق و تأثیرات آن بر خاورمیانه»، *فصلنامه علوم و فنون مرزى*، سال هفتم، شماره دوم، صص ۹۰-۶۷.
- عزیزی، آریا، (۱۳۹۶)، «بایدها و نبایدهای مشروعیت جدایی اقليم كردستان در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه علمى _ حقوقى قانون یار*، شماره سوم، صص ۹۸-۷۵.
- زیباکلام، صادق _ طهماسبی، نودرخلیل، (۱۳۹۵)، «مسائل اقليم كردستان عراق، منابع و موانع استقلال»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال بیست و سوم، شماره چهارم، صص ۹۰-۶۹.
- کریمی فرد، حسین _ لب خنده، ابراهیم، (۱۳۹۵)، «کارکرد مؤسسات مطالعاتی در سیاست خارجی امریکا در قبال ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسى جهان اسلام*، سال ششم، شماره اول بهار، صص ۵۵-۸۱.
- کگلی، چارلز دیبلو و ویتکف، اوجین آر، (۱۳۸۲)، *سیاست خارجی امریکا (الگوها و روندها)*، ترجمه: اصغر دستمالچی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۳) «نظریه پردازی در روابط بین‌الملل مبانی و قالبهای فکری» تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.
- آلیسون، گراهام (۱۳۶۴). *شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: انتشارات علمى و فرهنگى.
- سعادت، اسفندیار، (۱۳۶۸)، *انسان عقلایی یا انسان خودیاب*، *فصلنامه دانش مدیریت*، شماره ۶ و ۷، صص ۱۱۰-۱۲۶.
- دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسى وزارت کشور (۱۳۷۸) «تحزب و توسعه سیاسى جلد ۱»، انتشارات همشهری.
- نوری اصل، احد، (۱۳۹۵)، «*اقليم كردستان عراق در رویارویی استقلال، موانع داخلی*»، اندیشکده راهبردى تبیین.
- محمدی سیرت _ حسین، بختیاری _ محمد، (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی عملکرد حزب دمکرات كردستان ایران و عراق در دفاع مقدس»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامى در دفاع مقدس*، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۵۴-۱۲۷.



فصلنامه علمى - پژوهشى
مجموعه دراست العالم الإسلامى
پژوهش‌های یاسی جهان اسلام

سهرابی _ محمد، اشرفی _ امراله، کریمی _ مرتضی، (۱۳۹۵)، «کالبد شناسی احزاب و گروه‌های سیاسی عراق و تأثیر آنها بر روابط ایران و عراق»، *فصلنامه مطالعات روابط بین الملل*، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۱۷۱-۲۰۰.

دهقانی _ حمیدرضا، (۱۳۸۹)، «کالبد شکافی نتایج انتخابات پارلمان عراق» *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال هفدهم، شماره ۳، صص ۲۷-۵۴.

خبرگذاری فارس، نتایج نهایی انتخابات پارلمان کردستان عراق.

www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920710000882

ایران آنلاین، احزاب سیاسی کردستان عراق.

www.ion.ir/News/262217.html?catid

پشنگ _ اردشیر، (۱۳۹۱)، «هویت کردی از دید اسلام گرایان کردستان عراق (مطالعه موردی حزب اتحاد اسلامی کردستان عراق)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، سال سیزدهم، شماره ۵۲، صص ۱۴۲-۱۱۵.

ارشد صالحی، رفراندوم اقلیم کردستان را مشروط به تقسیم قدرت نمود. خبرگزاری فارس، ۱۳۹۶/۵/۷.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13960507001448>

نتایج نهایی انتخابات پارلمان کردستان عراق اعلام شد، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۷/۱۰.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920710000882>

محمدی، آیت، *تاریخ سیاسی کرد*، (تهران: نشر پرسمان، ۱۳۸۶).

ابالاس، ادگار، *جنبش کردها*، ترجمه اسماعیل فتاحی، (تهران: نشر نگاه، ۱۳۷۷).

کوچرا، کریس، *جنبش ملی کرد*، ترجمه ابراهیم یوسفی، (تهران: نشر نگاه، ۱۳۷۷).

ملاعمر، صالح، *بحران آفرینی/برق‌درت‌ها در کردستان عراق*، (تهران: نشر توکلی، ۱۳۸۰).

گروه پژوهش موسسه، (۱۳۹۱)، «درآمدی بر جریان مخالفان سیاسی در اقلیم کردستان عراق» *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۲۲۰-۲۰۳.

سایت تحلیلی طنین، بررسی امکانات و مشکلات پیش‌رو در اعلام استقلال کردستان عراق.

<http://tanincenter.com/content/587>

خبرگزاری صدا و سیما، عملیات کرکوک سبب ایجاد اختلاف میان احزاب کرد شد.

<http://www.iribnews.ir/fa/news/1855081>

آژانس خبری تحلیلی زریان، اختلاف نظر حزب دمکرات و اتحادیه میهنی بر سر استقلال کردها.

<http://www.ziryan.ir/NewsDetail.aspx?itemid=7825>

سایت موعود، کردستان عراق چرا بر الحاق استان کرکوک پافشاری می‌کند؟

<https://www.mouood.org/component/k2/item/41776>



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس‌الهام الاسلامی

۱۰۸

سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

- Allison, G.T. (1969), Conceptual Models and the Cuban Missile Crisis. *American Political Science Review* 63, 689-718.
- Allison, G.T. (1971) *Essence of Decision: Explaining the Cuban Missile Crisis*. Boston: Little, Brown.
- Barkey, Henri J. and Laipson, Ellen (2005), *Iraqi Kurds and Iraq's Future*, Middle East Policy, Vol. Xii, No. 4.
- Davis, Gordon B. & Margrethe H. Olson (1984). *Management Information Systems: Conceptual Foundations, Structure, and Development*, 2nd Ed,
- Drucker, Peter, (1987), "How the effective executive does it?"; *Fortune*; Feb. Pp. 142-145.
- Mintz, Alex & Nehemia Geva (1997). *The Polihuristic Theory of Foreign Policy Decision Making*, London: Lynne Rinner. New York: McGraw-Hill.
- Simon, Herbert A, (1976), *Administrative Behavior*, New York: Free Press.
- Simon, Herbert A, (1987), *Making Management Decisions: The role of Intuition and Emotion*, *Academy of Management Executive*; No. 1, Pp. 57-64.
- Stone, Deborah, (1997), *Policy Paradox: The Art of Political Decision Making*, London: w. w. Norton & Company.
- March, James G, (1994), *A Primer on Decision Making*, New York: Free Press, Pp. 2-7.
- Vertzberg, Y., (1990). *The World in Their Mind: Information Processing, Cognition and Perception in Foreign Policy*, Stanford University Press.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۴۰۴

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

نیکفر، جاسب؛ زمانی دادانه، ساسان؛ شفیعی سیف آبادی، محسن (۱۳۹۷)، «تأثیر اختلافات داخلی در میان احزاب کرد بر ناکامی استقلال کردستان عراق»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ۸، ش ۴، زمستان ۹۷، صص ۷۷-۱۰۹.